



مبحث سوم:

تاب آوری،

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرْجَهُ الشَّرِيفَ

شرط زندگی با امام زمان

آیه محوری:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً»

(اسراء، ۸۱)

این مبحث وارد میدان واقعیت تقابل حق و باطل می شود. آیه، وعده قطعی پیروزی حق را می دهد؛ اما هم زمان نشان می دهد که این پیروزی در متن نزاع و فشار محقق می شود. عنوان مبحث، جهت دهنده این معناست که زندگی با امام زمان علیه السلام، زندگی شیرینِ سخت است و بدون تاب آوری فردی و اجتماعی، ماندن در جبهه حق ممکن نیست. غربال ها، اختلاف ها و فشارها، در این منطق، بخشی از مسیر طبیعی زندگی مهدوی اند.

زندگی با امام زمان علیه السلام، زندگی شیرینِ سخت

اگرچه زندگی با امام زمان علیه السلام یک زندگی شیرین و جذابی است و در این باره بسیار کم حرف زدیم؛ اما خیلی‌ها قید چنین زندگی را می‌زنند، به خاطر اینکه حاضر نیستند قیمت آن را پرداخت کنند؛ شبیه یک ماشین گران قیمت یا خانه لوکسی که آدم حسرتش را می‌خورد اما توان پرداخت آن را ندارد.

باید توان داشت با امام زمان علیه السلام زندگی کرد، این توانایی را باید برای خودمان فراهم کنیم با کار و کوشش، تلاش شبانه روزی برسیم به حدی که خدا در ما و جامعه ما ببیند، ما می‌توانیم پای زندگی با امام زمان علیه السلام بایستیم. مثل حضرت زهرا علیها السلام که پای زندگی با امام زمانش ایستاد و فرمود:

«كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَإِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ»^۱

اصلاً کسی که می‌خواهد با امام زمانش زندگی کند، باید مثل حضرت زهرا علیها السلام زندگی کند. شاخص امام زمانی زندگی کردن، مادر سادات است. او برای همین زندگی، جان داد.

قرآن قیمت زندگی با امام زمان علیه السلام و ولی جامعه از نبی تا وصی را تاب آوری و استقامت معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا»^۲

۱. الکواکب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. هود، ۱۱۲.

از حضرت پرسیدند چرا محاسن شما این قدر زود سفید شد؟ فرمودند: «شَيْبَتُنِي هُودٌ»^۱؛ سوره هود مرا پیرم کرد. البته بعدش برخی از سوره‌های دیگر را هم نام بردند؛ اما اول فرمودند سوره هود، مشهور است که بعد از این آیه رسول گرامی خدا ﷺ دیگر کمتر لبخند زدند. چرا باید این آیه پیغمبر را پیر بکند؟ اگر ما بگوییم که این به این دلیل است که امر به تداوم دین هست، امر به استقامت هست، امر به این است که این دین فقط شروع شدنش مهم نیست. در این مسیر مردم باید بمانند. شما باید مسیر را نگه بدارید. پیامبر گرامی خدا ﷺ چون در این آیه امر به تداوم داده شده، از آن طرف تصور این که ممکن است مردم در تداوم درست حرکت نکنند، پیغمبر را پیر کرد.

تاب‌آوری شرط زندگی مهدوی

امروز اگر ما می‌خواهیم با امام زمان (عج) زندگی کنیم، باید میزان تاب‌آوری و استقامت خودمان را محک بزنیم، مرد این میدان هستیم یا خیر؟ بدون تاب‌آوری، نه می‌شود منتظر ماند و نه می‌شود همراه شد. تاب‌آوری، صبر منفعلانه نیست؛ توان ماندن در فشار است، بدون شکستن، بدون رها کردن مسیر.

تاب‌آوری شرط زندگی مهدوی است، چون مسیر امام زمان (عج) مسیر راحتی نیست. هر جا حرف از حق، جدی می‌شود، فشار هم جدی می‌شود. هر جا مسئولیت بزرگ‌تر می‌شود، هزینه هم بالاتر می‌رود. کسی که طاقت ندارد، طبیعی است که کنار بکشد. نه از سر بدی، بلکه از سر ناتوانی. به همین دلیل است که تاریخ نشان می‌دهد همیشه امام تنها از اول تنها نمی‌ماند، بلکه بیشتر اوقات، اطراف امام در ادامه مسیر خالی می‌شود. مگر نیامدند

۱. امالی صدوق، ص ۲۳۳.

درب خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام) شلوغ کردند، آنقدری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود از شدت شلوغی ترسیدم حسنم و حسینم زیر دست و پاله شوند. مگر دور امام حسن و امام حسین (علیه السلام) از اول شلوغ نبود، اما ادامه چه شد؟ ادامه مهم است؟ چرا ادامه نمی دهند؟ همین است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را پیر کرده است.

تاب آوری در زندگی با امام زمان (علیه السلام) از کجا ساخته می شود؟

اما سؤال مهم این است: این تاب آوری در زندگی با امام زمان (علیه السلام) از کجا ساخته می شود؟ آیا یک ویژگی ذاتی است یا قابلیت که ایجاد شدنی است؟ پاسخ روشن است: تاب آوری، ساخته می شود. تمرین می خواهد. از کودکی شروع می شود و تا بزرگسالی ادامه دارد. یکی از مثال های معروف در این زمینه، آزمایش «شیرینی را دیرتر بخور» است. به کودک می گویند اگر الان شیرینی را نخوری، بعداً دوتا می گیری. بعضی ها نمی توانند صبر کنند و بعضی ها می توانند. سال ها بعد معلوم می شود آن هایی که توان تأخیر در لذت داشتند، در زندگی اجتماعی، شغلی و خانوادگی موفق تر بودند. این آزمایش، فقط درباره شیرینی نیست؛ درباره آینده است. کسی که آینده را می بیند، حال را مدیریت می کند.

تربیت مهدوی دقیقاً همین است. باید به فرزندانمان یاد بدهیم همه چیز قرار نیست فوری حل شود. قرار نیست هر خواسته ای همین الان برآورده شود. باید یاد بگیرند کم کم بزرگ شوند، فشار را تحمل کنند، شکست را تاب بیاورند و وسط سختی، مسیر را عوض نکنند. کودکی که همیشه همه چیز برایش آماده بوده، در آینده نمی تواند با امام زمانش زندگی کند.

فرمود: هفت سال دوم را کودکان را ادب کنید «يُؤَدَّبُ سَبْعًا»^۱ حالا ادب چیست؟ اینجا یک سوء تفاهم رایج وجود دارد. وقتی می‌گوییم «ادب»، خیلی‌ها سریع به آداب ظاهری فکر می‌کنند:

مؤدب حرف‌زدن، ساکت بودن، یا رعایت قواعد رفتاری. درحالی‌که خود روایت، ادب را دقیق‌تر معنا کرده است. امام می‌فرماید:

«صَبَطُ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ»^۲

ادب یعنی نگه‌داشتن نفس، آن وقت که انسان چیزی را شدیداً می‌خواهد، و آن وقت که از چیزی می‌ترسد.

ادب یعنی کودک یاد بگیرد اسیر خواسته‌اش نباشد و با ترسش فرار نکند. یعنی بتواند صبر کند، تصمیمش را عقب بیاورد، هیجانش را کنترل کند و خودش را نگه دارد. این دقیقاً همان تاب‌آوری است.

فرض کن کودکی وارد مغازه می‌شود و چشمش به یک اسباب‌بازی یا خوراکی می‌افتد. همان لحظه می‌خواهدش، اصرار می‌کند، شاید گریه هم بکند. واکنش رایج خیلی از پدر و مادرها این است که سریع بخرند؛ نه از سر محبت، بلکه از ترس. ترس از اینکه «عقده‌ای شود»، «دلش بشکند»، «بعداً کمبود پیدا کند». اما اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که تاب‌آوری یا ساخته می‌شود یا از بین می‌رود.

اگر پدر یا مادر آرام و قاطع بگوید: «الان نه، بعداً»، و پای این «بعداً» بایستد، اتفاق بدی نمی‌افتد. کودک ممکن است ناراحت شود، ممکن است چند دقیقه سختی بکشد، اما همین چند دقیقه، تمرین ضبط نفس است. کودک یاد می‌گیرد هر خواسته‌ای قرار نیست همان لحظه برآورده شود. این نه بی‌محبتی است و نه عقده‌سازی؛ این آموزش زندگی است.

۱. الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳.

۲. غرر، ص ۴۲۷.

عقده، زمانی شکل می‌گیرد که کودک اصلاً دیده نشود، تحقیر شود یا دائماً محروم باشد، نه وقتی که خواسته‌اش مدیریت می‌شود. اتفاقاً کودکی که همه چیزش فوری فراهم می‌شود، در آینده بیشتر آسیب می‌بیند. چون زندگی واقعی، به خصوص زندگی در مسیرهای بزرگ، فوری جواب نمی‌دهد. دانشگاه، کار، ازدواج، مسئولیت اجتماعی، همه نیاز به صبر و تحمل دارند.

همین کودک اگر یاد بگیرد امروز صبر کند، فردا می‌تواند برای هدف بزرگ‌تر تلاش کند. می‌تواند شکست را تاب بیاورد، می‌تواند با کمبود کنار بیاید، می‌تواند در مسیر سخت، وسط راه نایستد. تحقیقات روان‌شناسی هم نشان داده کودکانی که توان تأخیر در خواسته دارند، در تحصیل، روابط اجتماعی و حتی مدیریت استرس موفق‌ترند. این‌ها در بزرگسالی کمتر می‌شکنند.

پس وقتی پدر و مادر چیزی را فوراً نمی‌خرند، در واقع دارند آینده کودک را می‌خرند. دارند به او یاد می‌دهند زندگی همیشه مطابق میل تو پیش نمی‌رود، اما تو می‌توانی دوام بیاوری. این دقیقاً همان تاب‌آوری است که بعدها او را به انسانی قابل اعتماد، مسئولیت‌پذیر و موفق تبدیل می‌کند؛ انسانی که می‌تواند زیر بار فشار بماند و از مسیرش خارج نشود.

زن و مرد تاب‌آور، ستون‌های زندگی مهدوی‌اند

اما تاب‌آوری فقط مسئله کودکان نیست. زن و مرد تاب‌آور، ستون‌های زندگی مهدوی‌اند. زندگی مشترک، یک تمرین جدی برای تاب‌آوری است. زندگی، مدل کوچک‌شده‌ای از همراهی با امام زمان عجل الله است. همان‌طور که امام مسئولیت‌های بزرگ دارد، بعضی مردها هم مسئولیت‌های بزرگ بر دوش دارند؛ مسئولیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، یا حتی مسئولیت یک مسیر حق طلبانه. همیشه تحمل این بار آسان نیست.

گاهی زن نمی‌تواند با مردی زندگی کند که دائماً درگیر مسئولیت است، چون سهم آرامش کم می‌شود، سهم فشار زیاد می‌شود. اینجا اگر تاب‌آوری نباشد، زندگی می‌شکند. نه لزوماً به خاطر اختلاف اخلاقی، بلکه به خاطر ناتوانی در تحمل مسیر. زن تاب‌آور، زنی نیست که رنج را دوست دارد؛ زنی است که معنا را می‌فهمد. می‌داند بعضی سختی‌ها، انتخاب شده‌اند، نه تحمیل شده.

مرد تاب‌آور هم همین‌طور است. مردی که می‌خواهد در مسیر حق بایستد، باید بداند راحتی دائمی ندارد. باید بلد باشد فشار را مدیریت کند، نه اینکه آن را به خانواده منتقل کند یا از آن فرار کند. تاب‌آوری، به معنای بی‌احساسی نیست؛ به معنای کنترل احساسات در جهت هدف است.

حضرت فرمود:

«إِنِّي لَأَصْبِرُ مِنْ غُلَامِي هَذَا وَمِنْ أَهْلِي عَلَى مَا هُوَ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ إِنَّهُ مَنْ صَبَرَ نَالَ بِصَبْرِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَ دَرَجَةَ الشَّهِيدِ الَّذِي قَدْ صَرَبَ بِسَيْفِهِ قُدَّامَ مُحَمَّدٍ^۱؛ به راستی من در برابر این فرزندم و خانواده‌ام صبر می‌کنم، حتی بر تلخی‌ای سخت‌تر از تلخی حنظل. زیرا کسی که صبر کند، با صبرش به مرتبه روزه‌دار شب‌زنده‌دار و شهیدی می‌رسد که با شمشیر خود در حضور پیامبر ﷺ ایستاده است.»

در زندگی واقعی، زن و مردی که می‌خواهند با یکدیگر و در مسیر زندگی جمعی تاب‌آور باشند، دقیقاً همین صبر را نیاز دارند. تلخی‌ها، اختلاف‌ها، مسئولیت‌های سنگین و فشارهای روزمره، همان «حنظل تلخ» است. زندگی با همسر، خانواده و فرزندان، آزمونی مداوم است؛ آزمونی که تاب‌آوری را می‌سازد.

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۹۸.

زندگی مهدوی، زن و مردی می‌خواهد که همدیگر را در سختی‌ها نفهمند؟ نه. بلکه در سختی‌ها، همدیگر را گم نکنند. وقتی هدف بزرگ باشد، باید ظرفیت‌ها هم بزرگ شود. زندگی با امام زمان علیه السلام، زندگی در سطح مأموریت‌های بزرگ و البته لذت‌بخش است، نه فقط در سطح لذت‌های کم و گذرا.

تاب‌آوری؛ ویژگی جامعه امام زمانی

جامعه امام زمانی و جامعه‌ای که می‌خواهد در حد و اندازه‌های زندگی با امام زمان علیه السلام باشد، هم همین‌طور است. جامعه‌ای که تاب‌آوری ندارد، با اولین فشار، مسیر را عوض می‌کند. با اولین تحریم، با اولین تهدید، با اولین اختلاف، فرو می‌ریزد. اما جامعه‌ای که تاب‌آوری دارد، می‌فهمد این فشارها بخشی از مسیر است، نه نشانه غلط بودن مسیر.

تاب‌آوری یعنی بتوانی بین رنج معنادار و رنج بی‌معنا فرق بگذاری. منتظر، رنج را حذف نمی‌کند؛ رنج را جهت می‌دهد. این جهت‌دادن، همان چیزی است که زندگی را قابل تحمل و حتی قابل رشد می‌کند.

اگر بخواهیم با امام زمان علیه السلام زندگی کنیم، باید شبیه مسیر او زندگی کنیم. مسیری که پر از تعویق، امتحان، فشار و انتظار است. بدون تاب‌آوری، این مسیر، قابل طی کردن نیست. تاب‌آوری، نه یک فضیلت لوکس، بلکه شرط بقا در زندگی مهدوی است. کسی که تاب ندارد، نه می‌تواند منتظر بماند، نه می‌تواند همراه شود. زندگی با امام زمان علیه السلام، قبل از آنکه دعا باشد، ظرفیت است. ظرفیت ماندن. ظرفیت تحمل. ظرفیت بزرگ شدن.

اختلاف، خطرناک ترین عامل شکستن تاب آوری جامعه

اختلاف، یکی از خطرناک ترین عواملی است که تاب آوری جامعه را می شکند و مسیر زندگی جمعی با امام زمان علیه السلام را از پایه نابود می کند. وقتی اعضای جامعه به جای همدلی و تعاون، به نزاع و تفرقه می پردازند، انرژی جمعی که قرار بود در سختی ها مقاومت کند، پراکنده می شود. جامعه ای که اختلاف دارد، نمی تواند فشارها را تحمل کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه هشدار می دهد که مؤمنان باید در گذشته خود و پیشینیان تدبیر کنند:

«وَتَذَبُّرُوا أَحْوَالَ الْمَاضِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ...»^۱

یعنی نگاه کنید ببینید مؤمنان قبل از شما در سختی ها چگونه بودند. وقتی خدا جدیت صبر آنها در تحمل سختی ها را به خاطر محبت و خوف خودش دید، اوضاع شان را عالی کرد: «فَصَارُوا مُلُوكًا حُكَّامًا وَ أَيْمَةً أَعْلَامًا». این افراد، کسانی بودند که ابتدا در بلای سختی ها قرار داشتند و تاب آوری واقعی را تمرین کردند؛ ولی وقتی مسیر درست را انتخاب کردند و اختلاف را کنار گذاشتند، خداوند قدرت و مقام بالایی به آنها داد، به گونه ای که حتی خیالش را هم نمی کردند:

«وَبَلَغَتِ الْكَرَامَةَ مِنَ اللَّهِ لَهُمْ مَا لَمْ تَذَهَبِ الْأَمَالُ إِلَيْهِ بِهِمْ».

تاب آوری جامعه نه صرفاً محصول فردیت و مقاومت شخصی، بلکه حاصل انسجام و وحدت جمعی است. وقتی اختلاف رخ می دهد، هر بخش از جامعه، انرژی خود را صرف جدال می کند و دیگر نمی تواند در سختی ها کنار هم بایستد. حتی یک شکاف کوچک، در بزنگاه های سرنوشت ساز، باعث می شود جامعه تاب آوری لازم را از دست بدهد و مسیر زندگی با امام زمان علیه السلام را مختل کند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

وقتی اختلاف‌ها کنار گذاشته می‌شوند و مردم برای هدفی بزرگ، همکاری و تحمل را تمرین می‌کنند، جامعه می‌تواند مانند آن «مؤمنان گذشته»، تحمل بلایا، رشد قدرت و رسیدن به کرامت را تجربه کند. تاب‌آوری واقعی یعنی یاد گرفتن از گذشته، کنار گذاشتن تفرقه، و تبدیل فشارها به فرصت برای ارتقای جمع. جامعه‌ای که این مسیر را طی کند، در برابر دشمنان، فشارهای اقتصادی و بحران‌های طبیعی مقاوم می‌شود و مسیر زندگی با امام زمان (عج) را بدون شکستن ادامه می‌دهد البته این هم کار سختی است.

زندگی با امام سخت است یا آسان؟!

حاج آقا به نظرتون با این اوصاف، زندگی با امام زمان (عج) سخت نیست؟ چه عرض کنم.

بگذارید از خود امیرالمؤمنین (ع) جواب سؤالمان را بگیریم، حضرت فرمود: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ»^۱

یعنی «امر ما، [یعنی حکومت و ولایت ما] سخت و دشوار است، دشواری‌ای که هر کسی تاب آن را ندارد؛ جز فرشته مقرب، پیامبر مرسل، یا مؤمنی که خدا دلش را برای ایمان آزموده باشد.»

این یعنی مسیر ولایت، مسیر آسان‌پسندها نیست. زندگی پای امام، زندگی در شرایط عادی و کم‌هزینه نیست؛ زندگی در سطح فشار، امتحان و مسئولیت است.

جامعه‌ای که فقط با انگیزه مقطعی جلو آمده، در میانه راه می‌ریزد. برای ماندن، دل باید امتحان شده باشد؛ یعنی ظرفیت تحمل ساخته شده باشد. این همان تاب‌آوری اجتماعی است. جامعه‌ای که تاب ندارد، با اولین

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۶.

تهدید، اولین فشار اقتصادی، یا اولین اختلاف داخلی، مسیر را رها می‌کند و امام را تنها می‌گذارد؛ نه از سر دشمنی، بلکه از سر ناتوانی.

زندگی با امام زمان علیه السلام یعنی پذیرفتن اینکه همیشه نتیجه، سریع دیده نمی‌شود، همیشه پیروزی فوری نیست و همیشه شرایط به نفع مؤمنان نمی‌چرخد. جامعه‌ای که این واقعیت را نفهمد، انتظار آرامش دائمی دارد و وقتی آن را نمی‌بیند، دچار تردید می‌شود. اما جامعه تاب‌آور می‌داند سختی بخشی از مسیر است، نه نشانه غلط بودن مسیر. چنین جامعه‌ای حتی زیر فشار، انسجامش را حفظ می‌کند، چون دل‌هایشان قبلاً در امتحان، پخته شده‌اند.

زندگی پای امام زمان علیه السلام، نیازمند مردمی است که ظرفیتشان از قبل ساخته شده باشد؛ مردمی که بتوانند هزینه بدهند، تأخیر را تحمل کنند و در پیچ‌های سخت، مسیر را عوض نکنند. بدون این تاب‌آوری، نه جامعه می‌تواند بار امامت را به دوش بکشد و نه امام می‌تواند جامعه را به مقصد نهایی برساند.

چرا غربال قبل از ظهور اتفاق می‌افتد؟

ائمه معصومین علیهم السلام در روایات متعددی با تأکید فراوان از غربال در آخرالزمان و قبل از ظهور خبر داده‌اند، بدون ریزش‌های فراوان و تفکیک بد و خوب، سعید و شقی، ظهور واقع نمی‌شود. غربال در جامعه به خصوص در هنگام ظهور حتمی است. غربال امتحان است و امتحان به منظور تقویت و رشد انسان و جامعه است، امتحان باعث می‌شود فرد و جامعه ضعف و بدی‌های پنهان خود را بشناسد تا بتواند آنها را ریشه‌کن کند.

از جابر جعفری روایت شده است که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما چه زمانی خواهد بود؟ فرمود:

«هیاهات، هیاهات! فرج ما واقع نمی‌شود مگر آن‌که غربال شوید، سپس غربال شوید، سپس غربال شوید». این جمله را سه بار تکرار فرمود. «تا آن‌که خدای متعال ناخالصی را ببرد و خالص را باقی بگذارد.»^۱

امام باقر (علیه السلام) وقتی از زمان فرج سؤال می‌شود، پاسخ را با «هیاهات» آغاز می‌کند؛ یعنی انتظار ساده‌انگارانه را از همان ابتدا می‌شکند. فرج، بدون غربال اتفاق نمی‌افتد؛ آن هم نه یک‌بار، بلکه چندبار پیاپی. تکرار «تَغْرَبُوا»، یعنی جامعه باید بارها در فشار، بحران، تصمیم‌های دشوار و موقعیت‌های پرهزینه قرار بگیرد تا آنچه ناخالص است فرو بریزد. غربال؛ یعنی جداشدن همراه واقعی از همراه موقت؛ کسی که تا وقتی مسیر آسان است می‌آید، اما با اولین هزینه کنار می‌کشد. این ریزش‌ها نشانه شکست نیست، شرط بلوغ است. خدا در این امتحان‌ها «کدر» را می‌برد؛ یعنی ترس‌های پنهان، دنیاطلبی‌های مخفی، ایمان‌های مشروط و تعهدهای لفظی. آنچه می‌ماند «صفو» است؛ انسان‌ها و جریانی که صاف شده‌اند، اما نه به خاطر ادعا، بلکه به خاطر تحمل. جامعه‌ای که غربال نشود، ظرفیت زندگی مهدوی را ندارد. ظهور بر شانه‌های جمعی می‌آید که امتحان، آن‌ها را قوی‌تر کرده، نه فراری. غربال برای حذف نیست؛ برای ساختن است. برای اینکه جامعه، پیش از دیدن امام، توان زندگی با امام را پیدا کند.

^۱. رُوِيَ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ؟ فَقَالَ: هَيَاهَاتَ هَيَاهَاتَ، لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تَغْرَبُوا ثُمَّ تَغْرَبُوا ثُمَّ تَغْرَبُوا، يَقُولُهَا ثَلَاثًا، حَتَّى يُذْهَبَ (اللَّهُ تَعَالَى) الْكَدِرُ، وَ يُبْقِيَ الصَّفْوَةَ. (الغيبه، ص ۳۳۹)

آیا بدون تاب آوری زندگی خوب ممکن است؟

زندگی با امام زمان (عج)، همان زندگی خوب است که شما بدون آن حتی نمی‌توانید خوب زندگی کنید. تاب‌آوری گاهی به «صبر» تعبیر می‌شود و گاهی به «مقاومت».

امکان ندارد که شما بدون داشتن مقاومت و صبر، بتوانید زندگی کنید؛ چه رسد به زندگی بهتر! خداوند دنیا را طوری طراحی کرده است که انسان بدون مقاومت و صبر، بتواند به چیزی برسد.

امام صادق (ع) در روایتی از قول حضرت عیسی (ع) می‌فرماید:

«شما نمی‌توانید به چیزهایی که دوست دارید برسید، مگر با صبر کردن بر چیزهایی که خوش‌تان نمی‌آید؛ إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَىٰ مَا تَكْرَهُونَ»^۱

و

«إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تَأْمُلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَىٰ مَا تَكْرَهُونَ»^۲

دنیا طوری طراحی شده که اگر می‌خواهید به دوست داشتنی خود برسید، باید صبر کنید.

زندگی آدم‌ها و نوع صبری که هر کسی باید در زندگی خودش داشته باشد را خداوند طراحی می‌کند ولی به‌طور کلی هیچ کس بدون صبر و مقاومت در زحمت، به دوست داشتنی خودش نمی‌رسد. دقت کنید که در اینجا فقط از «زحمت» سخن نمی‌گوییم، بلکه از «صبر و مقاومت در زحمت» سخن می‌گوییم؛ چون گاهی اوقات انسان به زحمت می‌افتد ولی آن قدر بی‌صبری می‌کند که بدتر می‌شود و نه تنها زحمت او ثمرهٔ مثبتی نخواهد

۱. مسکن الفؤاد، ص ۴۲.

۲. تحف العقول، ص ۵۱۱.

داشت؛ بلکه ثمره منفی خواهد داشت. چنین کسی، هم زحمت می‌کشد و هم به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد.
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«اگر شیعیان ما استقامت بورزند ملائکه با آنها مصافحه خواهند کرد و ابرهای پر باران بر سر آنها سایه افکن خواهند شد و روزشان روشن خواهد شد و زندگی‌شان طوری می‌شود که از بالا و پایین برای‌شان - نعمت - می‌ریزد و می‌خورند (یعنی این قدر فراوانی می‌شود) و چیزی از خدا طلب نمی‌کنند مگر اینکه خدا به آنها می‌دهد».^۱

صبر و استقامت این‌گونه به انسان زندگی بهتر می‌دهد.
ما تا به حال هر چیزی به دست آورده‌ایم از مقاومت به دست آورده‌ایم. و اگر مقدار مقاومت مان افزایش پیدا می‌کرد، بیشتر نصیب مان می‌شد. اگر مقدار مقاومت مان کاهش پیدا کند از آن چیزهایی که باید نصیب مان شود، کمتر می‌شود. مثلاً ما می‌دانیم که قطعنامه ۵۹۸ حتماً برای حضرت امام (علیه السلام) جام زهر بوده و ایشان خودشان این را بیان فرموده‌اند؛ ولی بعضی‌ها می‌گویند که «خوب شد قطعنامه را پذیرفتیم» حالا اگر واقعاً یک فوایدی برای جامعه ما داشته، مسلماً اگر آن را نمی‌پذیرفتیم و بیشتر مقاومت می‌کردیم، فواید بیشتری نصیب مان می‌شد، و الا امام (علیه السلام) نمی‌فرمود که پذیرش قطعنامه جام زهر است!^۲

۱. يَا اَيُّهَا الشَّيْعَةُ لَوْ اَنَّ شَيْعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَلَاطَلَهُمُ الْعِمَامُ وَلَاشْرَفُوا نَهَاراً وَلَا كَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ وَلَمَّا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا اَعْطَاهُمْ (تحف العقول، ص ۳۰۲)

۲. علیرضا پناهیان، تنها مسیر برای زندگی بهتر/ ج ۲۵، بخش زندگی بهتر بدون صبر به دست نمی‌آید؛ دسترسی در:

چطوری یک جامعه تاب آور می شود؟

حالا چطوری یک جامعه تاب آور می شود؟ تاب آوری جامعه، یک مهارت فردی پراکنده نیست؛ حاصل یک زندگی جمعی آگاهانه است. جامعه زمانی تاب آور می شود که اعضایش یاد بگیرند بار زندگی را فقط روی شانه خودشان نگذارند و فقط به نجات فردی فکر نکنند. قرآن وقتی نسخه می دهد، نسخه اش جمعی است:

«تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِیِّ وَالتَّقْوَى»^۱

یعنی تاب آوری از جایی شروع می شود که «من» ها به «ما» تبدیل می شوند؛ جایی که مردم بلد باشند در سختی ها کنار هم بایستند، نه روبه روی هم. جامعه ای که هر کس فقط به نفع کوتاه مدت خودش فکر می کند، زود می شکند. اما جامعه ای که تعاون را تمرین می کند، حتی فشار را به فرصت رشد تبدیل می کند. تعاون یعنی اگر زمین خوردی، دستت را می گیرند؛ یعنی اگر یکی خسته شد، دیگری بار را برمی دارد؛ یعنی زندگی جمعی به جای مسابقه ی بی رحمانه، به میدان هم افزایی تبدیل می شود. این همان بستر واقعی تاب آوری است. از این جامعه می شود بوی پیراهن یوسف را استشمام کرد. بوی ظهور از این جامعه به مشام می رسد.

نقش سیاسیون در تاب آوری جامعه

اما سیاسیون نقش تعیین کننده در تاب آوری جامعه دارند. اساساً سیاست مدار می تواند جامعه را بالغ کند یا کودک نگه دارد. فرمود:

«النَّاسُ بِأُمَرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ؛ مردم به سیاست مدارانشان شبیه تر هستند تا به پدرانشان»^۲

۱. مائده، ۲۰.

۲. تحف العقول، ص ۲۰۸.

بعضی ادبیات‌ها مردم را قوی می‌کند، بعضی ادبیات‌ها آن‌ها را وابسته. سیاستی که همه چیز را به بیرون گره می‌زند، عملاً پیامش این است: «خودتان نمی‌توانید». این ادبیات، تاب‌آوری را از ریشه می‌زند. چون جامعه‌ای که منتظر تصمیم دیگران است، در بحران فرو می‌ریزد.

اینجاست که تفاوت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد مذاکراتی روشن می‌شود. اقتصاد مقاومتی یعنی طراحی زندگی بر اساس توان درونی، صبر، برنامه و مشارکت مردم. یعنی قبول کنیم سختی هست، اما می‌شود با آن زندگی کرد و از دلش رشد ساخت. این ادبیات، مردم را شریک می‌کند. در مقابل، اقتصاد مذاکراتی وقتی به تنها راه نجات تبدیل می‌شود، جامعه را شرطی می‌کند؛ امید را معلق نگه می‌دارد و تاب‌آوری را می‌سوزاند. چون هر تأخیر، هر شکست، هر بن‌بست، مستقیماً به ناامیدی عمومی تبدیل می‌شود.

مشکل از جایی شروع می‌شود که بعضی‌ها روی موج عجله‌ی مردم سوار می‌شوند. مردم خسته‌اند، فشار دارند، زندگی سخت شده؛ و این طبیعی است. اما برخی به جای تقویت تاب‌آوری، این عجله را «ابزار» می‌کنند. وعده‌های فوری، راه‌حل‌های یک‌شبه، نجات‌های بی‌هزینه. نتیجه‌اش چیست؟ کاهش آستانه تحمل جامعه. مردمی که یاد نگرفته‌اند صبر فعال داشته باشند، با اولین مانع، همه آنچه را که ساختند، زیر پا می‌گذارند.

البته تاب‌آوری با فریب ساخته نمی‌شود؛ با صداقت ساخته می‌شود. تاب‌آوری سخت است؛ تاب‌آوری با شریک‌کردن مردم در تصمیم‌ها، با احترام به عقل جمعی.

جامعه‌ای که احساس کند دیده می‌شود و نقش دارد، سختی را تحمل می‌کند. اما جامعه‌ای که فقط مصرف‌کننده وعده‌هاست، در اولین بحران، فرو می‌پاشد.

زندگی جمعی تاب آور، یا همان زندگی با امام زمان علیه السلام، زندگی ای است که در آن مردم به جای انتظار معجزه، مسئولیت می پذیرند؛ به جای فرار از فشار، معنا برای فشار پیدا می کنند؛ و به جای حذف سختی، از دل سختی رشد می سازند. این گونه است که جامعه قوی می شود؛ نه با عجله، بلکه با صبر و مقاومت.

نسخه‌ای زنده و عملی برای تاب‌آوری جامعه

فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»^۱

این آیه، نسخه‌ای زنده و عملی برای تاب‌آوری جامعه است.^۲ خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها،) **استقامت کنید!** و در برابر دشمنان (نیز)، **پایدار باشید** و از مرزهای خود، **مراقبت کنید**». این سه کلمه، سه سطح از تاب‌آوری را نشان می‌دهد که برای زندگی جمعی با امام زمان علیه السلام لازم است.

۱. آل عمران، ۲۰۰.

۲. علامه طباطبائی رحمته الله: «ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید». امرهایی که در این آیه آمده یعنی **أمر اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا** همه مطلق و بدون قید است، در نتیجه صبرش، هم شامل صبر بر شدائد می‌شود و هم شامل صبر در اطاعت خدا، و همچنین صبر بر ترک معصیت و بهر حال منظور از آن صبر تک تک افراد است، چون دنبالش همین صبر را به صیغه مفاعله - صابروا آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد و مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تاثیر صبر بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد (اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود) محسوس است و هم در اجتماع (اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون او در نظر گرفته شود) چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود و ان شاء الله به زودی بحثی مفصل در این باره در جای خودش خواهیم کرد. « (ترجمه المیزان ج ۴ ص ۱۴۳ و ۱۴۴ ذیل آیه شریفه)

یک سطح تاب آوری در مشکلات فردی است فرمود: «اصبروا» یعنی وقتی فشار زندگی می‌آید، وقتی مشکلات و سختی‌ها روی دوش ما سنگینی می‌کنند، نخستین کار این است که شکستن را کنار بگذاریم و ظرفیت تحمل بسازیم. «صبر» یعنی فرو خوردن تلخی‌ها تا نگذاریم آن‌ها مسیر زندگی و تصمیم‌ها را مختل کند.

سطح دوم تاب آوری در مشکلات اجتماعی است «صابِرُوا» یعنی صبر فعال. فقط تحمل نکردن سختی کافی نیست؛ بلکه باید وسط سختی، فعال بمانیم، مسیر درست را پیدا کنیم و برای هدف بزرگ تلاش کنیم. صابر بودن یعنی وقتی در مقابل فشارها ایستاده‌ایم، از فرصت‌ها استفاده کنیم، یاد بگیریم و رشد کنیم. این همان تاب‌آوری واقعی است که جامعه را قوی می‌کند.

حضرت در توضیح این آیه می‌فرماید:

«صَابِرُوا عَذُوكُمْ مِمَّنْ يُخَالِفُكُمْ»^۱

یعنی صبر و تاب‌آوری شما باید ابتدا در مواجهه با دشمنان و کسانی باشد که مسیر حق و زندگی جمعی شما را به چالش می‌کشند. این صبر، فقط تحمل سختی شخصی نیست؛ صبر مقابل فشارهای بیرونی، تهدیدها و مخالفت‌هاست. کسی که این تاب‌آوری را ندارد، جامعه در اولین برخورد با سختی، فرو می‌ریزد.

سطح سوم تاب آوری پای رکاب امام است؛ و ادامه روایت: «رَابِطُوا إِمَامَكُمْ»^۲ یعنی در کنار امام خود بایستید و حضور پایدار داشته باشید. این حضور، نه فقط حضور فیزیکی، بلکه حضور ذهنی و مسئولانه است؛ یعنی مسیر زندگی جمعی با امام زمان علیه السلام را رها نکنید، حتی وقتی سختی‌ها و بی‌مهری‌ها

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۸۷.

۲. همان.

شدیدتر می‌شوند. «رابطوا» یعنی همراهی فعال با امام زمان علیه السلام، بدون اینکه با اولین فشار کنار بکشید.

به عبارت دیگر خدا می‌فرماید: ای کسانی که ایمان دارید! صبر کنید، یعنی تک‌تک آدم‌های خوبی باشید و صبر کنید. در این صورت طبیعتاً یک جامعه صابر خواهیم داشت. ولی بعد از «اصبروا» می‌فرماید: «وَ صَابِرُوا» حالا با هم صبر کنید؛ یعنی برای صبر کردن به همدیگر کمک کنید. شاید یک معنای «صابروا» همان «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» باشد که در سوره «والعصر» آمده است؛ یعنی همدیگر را به صبر سفارش کنید، ولی در اینجا فقط سفارش کردن نیست، بلکه یعنی به همدیگر برای صبر کردن کمک کنید، اصلاً باید با هم صبر کنید.

معنای آیه فوق این است که اگر به تنهایی آدم خوبی شدی کافی نیست؛ اگر می‌خواهی برای فرج امام زمان علیه السلام دعا کنی باید جمع و گروه خودت را جلو بیاوری، هیأت خود را باید بیاوری، تعاونی‌تان را باید بیاوری، صندوق قرض الحسنه‌تان را باید بیاوری، تشکل‌تان را باید بیاوری، کدام تشکل را راه انداخته‌ای؟ اگر اینها نباشد تو یک آدم خوب خودخواه خواهی بود! نمی‌شود که ما مؤمن باشیم و از اسلام و تشیع و اهل بیت علیهم السلام حرف بزنیم، بعد مانند غربی‌ها فردیت و منیت را تقویت کنیم و به صورت فردی زندگی کنیم.

خداوند متعال در ادامه آیه می‌فرماید: «وَرَابِطُوا» یعنی نه تنها با هم ارتباط داشته باشید بلکه علاوه بر ارتباط، باید هم‌افزایی نیز داشته باشید، یعنی قدرت‌هایتان را روی هم بگذارید و همدیگر را تقویت کنید هم در نسبت با امام جامعه و امام زمان علیه السلام. باز یعنی اگر هر کدام‌تان به تنهایی آدم‌های مفید و خوبی باشید کافی نیست.

مؤمن بودن نیاز به کار تیمی و گروهی دارد. شما اهل کدام مسجد هستید؟ آنجا چه تجمعی با همدیگر دارید و چه کاری انجام می‌دهید؟ معنا ندارد که ما تنهایی به مسجد برویم و کاری با بقیه نداشته باشیم. بعد تازه باید مواظب باشی همان تجمع خودش به یک فردیت جدید تبدیل نشود و در رقابت با دیگر جمع‌ها به خودخواهی بپردازد.

امام زمان علیه السلام، یک «جامعه خوب» می‌خواهد نه یک سری آدم‌ها که هر یک برای خودشان انسان‌های خوبی هستند. این یک نقص است که هر کسی تنها خودش یا حداکثر به همراه خانواده‌اش خوب باشد و کاری به بقیه مردم نداشته باشد.

البته اوج اخوت و برادری چنانچه در روایات آمده است پس از ظهور خواهد بود. وقتی گروهی به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدند و ابراز نگرانی کردند که ما نمی‌توانیم آن ایثاری که علامت ایمان است داشته باشیم، پس نکنند ما مؤمن نباشیم حضرت فرمودند:

«شما مؤمن هستید ولی ایمان شیعیان ما پس از ظهور کامل می‌شود»^۱

لذا آن زمان است که پس از کامل شدن ایمان به اوج ایثار و برادری خواهیم رسید.

^۱ قُلْتُ لِأَيِّ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَخْشَى أَلَّا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ! قَالَ: وَلِمَ ذَاكَ؟ قُلْتُ: وَ ذَلِكَ أَنَّا لَا نَجِدُ فِيْنَا مَنْ يَكُونُ أَخُوهُ عِنْدَهُ أَثَرٌ مِنْ دِرْهَمِهِ وَ دِينَارِهِ، وَ نَجِدُ الدِّينَارَ وَ الدِّرْهَمَ أَثَرٌ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ مُوَالَةً أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ! فَقَالَ: كَلَّا، إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ، وَ لَكِنْ لَا تُكْمِلُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا، فَعِنْدَهَا يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ كَامِلِينَ، وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنُونَ كَامِلُونَ إِذَا لَرَفَعَنَا اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَنْكَرْتُمُ الْأَرْضَ وَ أَنْكَرْتُمُ السَّمَاءَ» (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۳)